

Strategies for Promoting Cultural and Social Identity in Neighborhoods of Iranian Islamic Cities Approaching Family

Asghar Molaei* 

Associate Professor of Urban Planning, Architecture and urban Design Faculty, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Received: 2025-04-18

Accepted: 2025-10-22

Extended Abstract

Introduction

The family is a fundamental pillar of social life in Islamic culture and teachings, a principle that is reflected in Iranian Islamic cities and urban neighborhoods. In the past, the family held a strong position across various social dimensions and lifestyles; however, developments in the contemporary era—particularly within industrial, economic, cultural, and social systems—have brought about profound changes in the physical, cultural, and social structures of cities and neighborhoods. These changes have weakened relationships among citizens and led to the emergence of an identity crisis. The absence of neighborhood centers, the spread of apartment complexes and high-rise buildings, along with the growth of consumerism and individualism, have contributed to the decline of family-based neighborhood identity, with residential towns replacing traditional neighborhoods. This situation highlights the urgent need to recognize and re-evaluate neighborhood identity. Neighborhood identity is influenced by a range of social, cultural, functional, and physical-spatial factors, and both the neighborhood structure and the neighborhood center play a significant role in shaping this identity.

Methodology

The aim of the present study is to identify the components and indicators of the Iranian

* Corresponding author, Email: A.molaei@tabriziau.ac.ir,

1 ORCID: <https://orcid.org/0000-0002-9458-040X>



Copyright© 2025. TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

Islamic neighborhood from the perspectives of citizenship rights, Islamic rulings, and ethics. In other words, this article seeks to clarify the components, characteristics, and indicators of family-based neighborhood identity in an Islamic city, based on which relevant strategies, as well as their manifestations and examples, are described and analyzed. The main research questions addressed in this study are: What are the foundations of family-based neighborhood identity from the perspectives of citizenship rights and Islamic rulings and ethics? What policies can facilitate the realization of citizenship rights and Islamic rulings and ethics in the planning and design of Iranian Islamic neighborhoods? The present research adopts a qualitative approach and is conducted using an analytical research method, logical reasoning, and documentary and library-based study methods.

Findings

From the perspective of Islamic rules and ethics, in addition to possessing spiritual meaning and human values, the Islamic city is a setting for the manifestation of divine commands and jurisprudential principles. For Muslims, urban life should not involve undue hardship or difficulty in any dimension. Accordingly, based on the jurisprudential principle of *la haraj* (the avoidance of hardship), urban challenges and difficulties must be carefully considered in the processes of planning, design, and management. In Islamic urban planning, the neighborhood and city centers are traditionally defined by neighborhood and city mosques, around which complementary cultural, educational, and service functions are provided. This center not only fulfills the need for worship and cultural activities but also establishes the identity of the Islamic neighborhood and city, an identity that is more significant than that created by other types of cultural and social spaces. However, in many cities, towns, and residential areas, such centers and mosques are absent, or commercial spaces have come to define the neighborhood center. Neglecting neighborhood and city mosques contributes to the spread of non-indigenous lifestyles and leads to the weakening of Islamic identity.

Conclusion

The purpose of this article is to clarify the concept of family-based neighborhood identity from the perspective of cultural and social factors. This objective is pursued through a qualitative and interdisciplinary approach, employing text content analysis and logical reasoning as the main research methods. Accordingly, after presenting the necessity of the topic in the theoretical foundations section, the study seeks to explain the concepts of identity and neighborhood, examine cultural and social factors, clarify their impact and role in the formation and consolidation of identity, and subsequently propose practical solutions to achieve the objectives of the article. Attention to the

family and its requirements and needs in the planning and design of urban neighborhoods, from the perspective of the Iranian–Islamic model, can contribute to the realization of an Iranian–Islamic, family-oriented neighborhood grounded in its cultural and religious foundations. Neighborhood-based urban planning and design necessitate the creation of a neighborhood center capable of addressing the essential, social, and optional needs of families. This is particularly important for all families and across different age and gender groups, especially women, children, and the elderly. The development of multifunctional cultural and recreational neighborhood centers, the provision of local retail outlets, a neighborhood mosque, a neighborhood hall, and a neighborhood park or multipurpose garden, along with safe, secure, and clean alleys and walkways, are among the key requirements of neighborhood-based planning.

Keywords: Iranian–Islamic City, Islamic Rules and Ethics, Cultural and Social Identity, Family, Iranian–Islamic Neighborhood



راهکارهای ارتقای هویت فرهنگی و اجتماعی در محله‌های شهر اسلامی ایرانی با تأکید بر خانواده

اصغر مولائی*

دانشیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۹

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

چکیده

خانواده به عنوان رکن زندگی اجتماعی در فرهنگ و آموزه‌های اسلامی است که در شهرها و محله‌های شهری ایرانی اسلامی نمود پیدا می‌کند. این امر در دوران گذشته جایگاه محکمی در ابعاد مختلف اجتماعی و سبک زندگی داشته است اما تحولات دوران معاصر در نظام صنعتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منجر به تغییرات عظیم در ساختار کالبدی، فرهنگی و اجتماعی شهرها و محله‌ها و تضعیف روابط بین شهروندان و بروز بحران هویت شده است. نبود مرکز محله، خانه‌های آپارتمانی و برج‌نشینی، مصرف‌گرایی، و فردگرایی منجر به تضعیف هویت محله‌ای خانواده مینا شده و شهرک‌های مسکونی جای محله را گرفته است. لزوم بازشناسی هویت محله‌ای را به صورت جدی مطرح می‌کند. هدف پژوهش حاضر، تبیین مفهوم هویت محله‌ای خانواده مینا از منظر عوامل فرهنگی و اجتماعی، و روش پژوهش تحلیل محتوای متون و استدلال منطقی با رویکرد کیفی و میان‌رشته‌ای است که پس از تبیین مفهوم هویت محله و عوامل فرهنگی و اجتماعی و تأثیر و نقش آن‌ها در شکل‌گیری و تثبیت هویت، راهکارهای عملی برای نیل به هدف مقاله را ارائه می‌کند. توجه به خانواده و الزامات و نیازهای آن در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌های شهری از منظر الگوی ایرانی اسلامی می‌تواند محله ایرانی اسلامی را بر مبنای خانواده و مبانی ایرانی اسلامی آن محقق کند. برنامه‌ریزی و طراحی شهری محله مینا، نیازمند ایجاد مرکز محله پاسخگو برای تمامی نیازهای ضروری، اجتماعی و اختیاری خانواده‌ها است. این امر برای تمامی خانواده‌ها و اقشار سنی و جنسی به‌ویژه برای زنان، کودکان و سالمندان ضروری است. ایجاد مراکز چندمنظوره فرهنگی تفریحی محله، تامین خرده‌فروشی‌های محلی، مسجد محله، سرای محله، پارک یا بوستان چندمنظوره محله به همراه گذرها و کوچه‌های ایمن و امن و پاکیزه از جمله الزامات برنامه‌ریزی محله مینا است.

واژه‌های کلیدی: شهر اسلامی ایرانی، احکام و اخلاق اسلامی، هویت فرهنگی و اجتماعی، خانواده، محله ایرانی اسلامی.

۱. مقدمه

با وجود گسترش روز افزون شهرها در ابعاد طولی و عرضی و حتی در ارتفاع در دوران اخیر، احساس بی‌هویتی چنان بر بافت‌ها و محلات مسکونی سایه انداخته است که از خود می‌پرسیم "اهل کجا هستیم؟". در جایی زندگی می‌کنیم و بعد در جایی دیگر، نه ترک یکی حسرتی برمی‌انگیزد و نه ورود به دیگری شوقی. آن‌قدر همه‌جا شبیه هم است، آن‌قدر همه با یکدیگر غریبه هستند که در هنگامه بی‌تفاوتی فراموش کرده‌ایم که ما هم نیاز به ریشه داریم. در سیاست‌های توسعه مسکن، خانه جای خود را به سرپناه داده است. توجه صرفاً کمی به مسائل مسکن و غفلت از مسائل کیفی، همه‌گیر شدن بافت‌های شطرنجی، تخریب به بهانه نوسازی به جای ترمیم، غلبه خودروی شخصی بر حال و هوای مسکونی، نبود ایمنی و امنیت بخصوص برای گروه‌های ویژه (زنان، کودکان و سالخوردگان)، نبود بستر تعاملات اجتماعی، نبود عرصه‌های حد واسطه (حریم‌های نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی)، وجود برخی بی‌تفاوتی‌های شهروندان نسبت به هم و محیط زندگی و ... همه دست به دست هم داده‌اند تا هم بافت‌ها و محلات مسکونی و هم ساکنان آنها احساس ضعف هویت کنند. یکی از بحث برانگیزترین موضوعات عصر حاضر، هویت است و هر کس به طریقی درباره هویت نگرانی دارد. هویت پاسخی است به پرسش در خصوص چیستی یا کیستی موجودات (Ghasemi, 2004: 66).

هویت انسان دارای جنبه‌های شخصی و جمعی است؛ در جنبه شخصی، انسان به طرق مختلف به کیستی خود می‌اندیشد و به دنبال ابزاری می‌گردد که به واسطه آن خود را تبیین کند، اما در هویت جمعی، انسان با حضور در جمع، علاوه بر آن که دارای هویت شخصی یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط مشخص با دیگران می‌شود، بلکه با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می‌شود، هویت جمعی پیدا می‌کند و با مجموعه این مسائل دارای تاریخ مشترک می‌شود (Pakzad, 2007: 66).

محله اولین مکانی است که فرد در آنجا با مفهوم اجتماع برخورد دارد. روابط و تعاملات اجتماعی و انواع مفاهیم دیگر مرتبط با حضور اجتماعی افراد در محله، در آن شکل می‌گیرد. اهمیت دادن به مشارکت شهروندی و ایجاد نقش و پایگاه اجتماعی برای افراد، از طریق اهمیت بخشی به محل سکونت فرد که در کوچکترین مقیاس، محله مسکونی است، میسر می‌شود. علاوه بر اهمیت مکان به عنوان بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی، خاصیت این روابط چنان است که در نتیجه ایجاد تعاملات مثبت میان افراد، برآیند نیروها و افکار جمع به نتایج پرباری می‌انجامد. این موضوع از نظر تعالیم دینی به مفاهیمی همچون وحدت، مشورت و جماعت ارتباط پیدا می‌کند؛ بنابراین ایجاد زمینه برای شکل‌گیری یک نظام اجتماعی همبسته در محله جهت تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت آن، می‌تواند در زمره صفات و تجلیات محله اسلامی قرار گیرد (Nasirpour et al, 2023: 742-743).

شکل‌گیری محله بر ساختار فضایی - کالبدی شهر تأثیرگذار بود. محله به سان شهری کوچک برآیند مجموعه‌ای از نیروهای سیاسی - اداری، دینی - مذهبی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی بود که به واسطه آن خود را اداره می‌کرد و

چه بسا بسته به احوال ساکنان آن و همچنین شرایط حاکم بر جامعه شهری می‌توانست فضای کالبدی شهر را تغییر دهد. اشتراک این نیروها در عموم محله‌های شهر، کارکردهای یکسانی را به دنبال داشت که مقوم بقای محله محسوب می‌شد. البته در موارد مختلف شدت و ضعف این نیروها در سطح محله و شهر یکسان نبود، زیرا کارایی آنها با عواملی که موجب شکل‌گیری محله می‌شد، ارتباط داشت؛ به عبارت دیگر، کارکردهای گوناگون محله، انعکاس عامل یا عوامل متعددی بود که موجب شکل‌گیری واحد محله در شهر می‌شد (Bahri Moghadam & Yousefi Far, 2013: 106).

افراد، تصویر ذهنی خود را از یک عینیت با عینیت موجود تطبیق، و این فرآیند قیاسی را مبنای تشخیص هویت خود قرار می‌دهند. بر این اساس، هویت اعتبار خود را از تشخیص می‌گیرد و در واقع، حکم نوعی ارزیابی کیفی را پیدا می‌کند که با اندوخته‌های ذهنی فرد از تجربیات مستقیم تا فرهنگ و سنت او ارتباط کامل دارد. وقتی پدیده‌ای دارای هویت احساس شود که توقعات ما را برآورده سازد، با ردیابی توقعات می‌توانیم آن را به سهولت تشخیص دهیم. برای مثال توقعات ما از خانه این است که حفاظت فیزیکی، روانی، امنیت و آسایش را برای ما فراهم کند، اگر این توقعات برآورده شود، ما نام خانه را بر آن اطلاق می‌کنیم و با این نام‌گذاری سرپناه مذکور واجد هویت خاصی می‌شود.

لینچ، هویت را چنین تعریف می‌کند: هویت محل به ساده‌ترین جمله یعنی "معنی یک محل". هویت یعنی حدی که یک شخص می‌تواند مکانی را از سایر مکان‌ها شناسایی یا بازشناسایی کند (Lynch, 1997: 168). معنی و هویت هر محل علاوه بر شکل و کیفیت فضایی، به فرهنگ، منش، موقعیت و تجربه مشاهده‌گر نیز بستگی دارد. در بعد فرهنگی اجتماعی، هویت بیانگر اشتراک در باورها، ارزش‌ها، هنجارها و منافع است که فرد را با دیگران پیوند می‌دهد. بدین سبب، هویت به قلمرویی از حیات اجتماعی اطلاق می‌شود که فرد خود را متعلق به آن می‌داند، خود را ما می‌خواند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. در واقع، مفهوم هویت که ناظر بر کیستی و چیستی، کارکرد و ویژگی‌های متمایز کننده است، در هم تنیدگی متن و محتوا را نشان می‌دهد. به طور کلی، هویت محله دارای چهار بعد اساسی هویت محیطی اکولوژیک، هویت فرهنگی اجتماعی، هویت اقتصادی، و هویت کالبدی-فضایی است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که مفهوم هویت، محله، هویت فرهنگی و اجتماع محله‌ای چیست؟ و چگونه و با چه روش‌های شهرسازانه‌ای می‌توان هویت فرهنگی و اجتماعی محله را تقویت کرد؟

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با روش تحقیق تحلیلی و استدلال منطقی و شیوه‌های مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام می‌شود. هدف پژوهش حاضر، استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های محله اسلامی ایرانی از منظر حقوق شهروندی، احکام و اخلاق اسلامی است و پژوهش سعی بر روشن کردن این موضوع دارد که هویت محله‌ای خانواده‌مبنا در شهر اسلامی دارای چه مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و شاخص‌هایی است که بر اساس آن راهبردهای این امر و

نمودها و مصادیق مربوطه توصیف و تحلیل می‌شود. مهمترین پرسش پژوهش این است که مبانی هویت محله‌ای خانواده‌مبنا از منظر حقوق شهروندی و احکام و اخلاق اسلامی چیست؟ سیاست‌های تحقق حقوق شهروندی و احکام و اخلاق اسلامی در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌های اسلامی ایرانی کدامند؟

در بخش مبانی نظری با روش تحلیل محتوای متون و رویکردی میان‌رشته‌ای، در دو حوزه شهرسازی و فقه و حقوق شهری به استدلال منطقی و استنتاج مبانی و سیاست‌های موثر بر نیل به اهداف شهر اسلامی پرداخته شده است. همچنین با روش پژوهش میدانی و توصیف و تحلیل مصادیق فرهنگ و حقوق اسلامی، نمونه‌های موردی ارائه شده است. این نمونه‌ها شامل محله مقصودیه تبریز و محله سرخاب پیرامون مقبره‌الشعرا تبریز هستند که دارای مراکز و فضاهای فرهنگی متعدد از جمله مساجد، حسینیه‌ها، خانه‌های تاریخی و موزه است که دارای فعالیت‌ها، کاربری‌ها، سبک زندگی و روابط اجتماعی، رویدادها و نشانه‌های معطوف به شهر و محله اسلامی ایرانی هستند. فرآیند انجام این پژوهش به این ترتیب است که پس از طرح مسئله و اهداف پژوهش، مفاهیم هویت، محله و خانواده، احکام و اخلاق اسلامی تبیین، و سپس عوامل فرهنگی و اجتماعی و تاثیر و نقش آن‌ها را در شکل‌گیری و تثبیت هویت محله بررسی می‌شود. در ادامه به سیاست‌های مربوطه با نمودها و مصادیق موردی پرداخته می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش

موضوع محله، خانواده و شهرسازی اسلامی شامل طیف متعدد و متنوعی از مقالات و کتاب‌ها می‌شود که اغلب در رشته‌های مختلف معماری و شهرسازی، جغرافیا و جامعه‌شناسی انجام شده است. این پژوهش‌ها را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

الف) پژوهش‌های مربوط به فرهنگ، خانواده، سبک زندگی و حقوق شهروندی در شهر و شهرسازی و محله که شامل پژوهش‌های متعدد و متنوعی می‌شود که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۶)؛ «معاشرت در محلات معاصر ایران بر مبنای سبک زندگی اسلامی (نمونه موردی: سه محله در شهر سنجند» (Ketabollahi et al, 2022)؛ «الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی- ایرانی بر مبنای مدل نگره‌های زندگی ساز حکمت اسلامی» (Zolfaqarzadeh et al, 2019)؛ «اهل کجاییم؟ هویت در بافت‌های مسکونی» (Ghasemi Esfahani, 2004)؛ «برنامه‌ریزی مبتنی بر محله: رویکردی مؤثر برای مدیریت پایدار شهری» (Hajipour, 2006)؛ «نقش معنویت در هویت شهر ایرانی- اسلامی با رویکرد اخلاق اسلامی» (Molaei, 2021) و «معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی» (Manan Raisi, 2020).

ب) پژوهش‌های مربوط به محله و برنامه‌ریزی و طراحی شهری محله که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «تحلیل نظری مفهوم محله و بازتعریف آن در بافت‌های شهری ایران» (Abdollahi et al, 2010)؛ «بازآفرینی

مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی» (Latifi & Safari Chabok, 2012)؛ «تبیین حقوق شهروندی در برنامه‌ریزی محله پایدار (مطالعه موردی: محله‌های مقصودیه و منظریه شهرتبریز)» (Molaei et al, 2022)؛ «نقش فرهنگ مذاهب اسلامی در انسجام اجتماعی محلات تاریخی با مطالعه موردی محله سرتپوله سنج» (Ketabollahi & Nejad Ebrahimi, 2022)؛ «نقش بافت کالبدی در محله‌های سنتی و واحدهای مسکونی جدید در تعاملات اجتماعی» (Pourjafar & Adabkhah, 2004)؛ «مدل پیشنهادی محله با محوریت مساجد و فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی-اسلامی» (Pourjafar & Pourjafar, 2012).

ج) پژوهش‌های مربوط به معماری و شهرسازی/اسلامی که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های «شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهرسازی خانواده‌مبنا در محله‌های اسلامی ایرانی» (Molaei et al, 2024)؛ «حقوق شهروندی، احکام و اخلاق اسلامی در طراحی شهری با تأکید بر نگرش توحیدی»؛ «تبیین جایگاه قاعده فقهی عسر و حرج در شهرسازی اسلامی»؛ «بازشناسی جایگاه قاعده فقهی اهم و مهم در برنامه‌ها و طرح‌های شهری» (Molaei, 2022)؛ و «تبیین احکام و اخلاق اسلامی در فرآیند تملک اراضی شهر ایرانی-اسلامی» (Ketabollahi & Molaei, 2021) از منظر فقه معماری و شهرسازی اسلامی اشاره کرد.

۴. مبانی نظری پژوهش

۴-۱. فرهنگ و محله

فرهنگ یکی از پیچیده‌ترین واژه‌های زبان انگلیسی است و عنوان می‌کند که فرهنگ اصطلاحی دگرگون‌پذیر است (Ismailpour, 2006). فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، معنی فرهنگ را "تربیت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و هنرهای یک قوم" ذکر کرده است (Moein, 2004: 806). شکویی درباره فرهنگ می‌نویسد: مراد ما از فرهنگ، همان نشانه‌های یگانگی جمعی است. فرهنگ هم به منزله شیوه زندگی شامل عقاید، نگرش‌ها، زبان‌ها، عادات، نهادها، و ساختارهای قدرت و هم در بر گیرنده عملکردهای فرهنگی نظیر شکل‌های مختلف هنری، نصوص، معماری، کالاهای تولید انبوه و نظایر این‌ها است (Shokouei, 1996: 328). یکی از ارکان اساسی و ابعاد مهم هویت توجه به شاخص‌های فرهنگی، ریشه‌ها و فرهنگ عامه است.

از جمله مهم‌ترین فعالیت‌هایی که هر شهروند در زندگی به آن‌ها می‌پردازد، فعالیت‌هایی چون گفت‌وگو، همفکری، مشارکت در لذت بردن از محیط، مکاشفه و تحلیل محیط و نظایر آنها است که نیازمند محیط‌هایی فراتر از محدوده خانوادگی و شغلی و حرفه‌ای است. این فعالیت‌های اجتماعی و انسانی است که تا حدود زیادی زندگی یک شهروند را تشکیل می‌دهد و با تقویت حس تعلق به مکان زندگی و ساکنان آن، باعث به وجود آمدن آگاهی، معنا و هویت می‌شود. تعصب‌هایی نسبت به همسایه، هم‌تیمی، هم‌محله‌ای و هم‌شهری بودن شکل می‌گیرد. کسب هویت اجتماعی فرآیندی

است که به‌طور نظام‌مند رابطه تشابه و تفاوت را در سه حالت رابطه بین افراد، رابطه بین فرد و گروه، و رابطه بین گروه‌ها برقراری و پیرنگ می‌کند. براساس ارتباط سلسله‌مراتبی که میان محله، اجتماع محلی و اشتراک مساعی میان شهروندان وجود دارد، اجتماع محله‌ای در حالتی شکل می‌گیرد که درجه‌ای از همگونی اجتماعی در رسوم، سلاقی، نحوه تفکر و سخن گفتن به وجود آید و توجه به این امر در برنامه‌ریزی و سیاست‌های جمعیتی محله امری ضروری است.

۲-۴. حقوق شهروندی

حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با موسسات عمومی مانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی و بنابراین این اصطلاح معنایی اعم از حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی دارد (Shokri et al, 2008). حقوق شهروندی عبارت است از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و ... برای افرادی که در یک کشور زندگی می‌کنند. در این پژوهش، حقوق شهروندی جدای از این ابعاد، صرفاً در «شهرداری» مطالعه و بررسی شده است. فرهنگ شهروندی در هر جامعه از خرده فرهنگ‌های موجود در آن جامعه ناشی می‌شود. فرهنگ شهروندی عبارت است از مشارکت شهروندان در مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه خود. شهروندان باید خود را عضوی از این جامعه دانسته و در قبال مسائل و مشکلات جامعه خود را مسئول بدانند. حقوق شهروندی خانواده را می‌توان بر اساس مؤلفه‌های زیر تبیین کرد:

الف) حقوق اجتماعی و فرهنگی: هر خانواده به‌طور متقابل نیازمند احترام به حقوق دیگران است و دیگران نیز باید به حقوق آن‌ها احترام بگذارند. حقوق متقابل در موارد حق کرامت انسانی، حق آسایش و آرامش فردی و خانوادگی در خانه و فضاهای شهری، رعایت ایمنی و امنیت فردی و جمعی قابل بررسی است. این کیفیات و حقوق در محله می‌تواند در خدمات و کاربری‌های مورد نیاز محله، منظر شهری مطلوب، مدیریت بهداشت عمومی و رفع مزاحمت‌ها و مشکلات مختلف محله تامین شود.

ب) حقوق عملکردی: هر خانواده حق برخورداری از عملکردهای شهری و محلی و کاربری‌های ضروری، اجتماعی و اختیاری را دارا است. حقوق عملکردی در این موارد قابل بررسی است: کاربری‌های ضروری قابل دسترسی و پاسخ‌ده، حق حرکت و دسترسی در شهر از طریق حمل و نقل عمومی با کیفیت و حمل و نقل خصوصی و زیرساخت‌های با کیفیت مربوطه.

ج) حقوق محیط‌زیستی: هر خانواده حق استفاده از محیط زیست سالم و پاکیزه را دارا است. حقوق متقابل در این موارد قابل بررسی است: حق داشتن هوای سالم و پاک، حق استفاده از آب و غذای سالم و بهداشتی، حق استفاده از طبیعت سالم و پایدار. در هر محله، حقوق محیط زیستی یا طبیعی را می‌تواند در سامانه‌های سالم و بهداشتی آب، روشنایی، بهره‌مندی از نور و هوای طبیعی، فضای سبز مناسب و مطلوب خصوصی و عمومی، برنامه جمع‌آوری و

تفکیک پسماند ارائه شود. اصل پنجاه قانون اساسی بر حفاظت از محیط زیست تأکید و آن را وظیفه هر انسان می‌داند. (د) حقوق اقتصادی: هر خانواده حق برخورداری از شغل و درآمد پایدار را دارد. حقوق متقابل در این موارد قابل بررسی است: حق داشتن شغل پایدار و آبرومند، حق رشد و پیشرفت اقتصادی، حق مالکیت و حقوق مالکانه، حق برخورداری و سهمیم شدن در درآمدهای شهر و کشور. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حق داشتن شغل و حق داشتن مسکن را در اصول مختلف آن از جمله اصل سی و یک اعلام کرده است (Presidency of the Islamic Republic of Iran, 2016).

۴-۳. احکام و قواعد فقهی

دین اسلام مبتنی بر سه رکن اعتقادات، احکام و اخلاق است. اعتقادات همان اصول دین اسلام است و احکام شامل قواعد فقه فردی و اجتماعی است که حقوق و وظایف حقوقی متعددی مانند حق اموال، حق النفس، حق الناس و حقوق خلقت زیست محیطی را شامل می‌شود. اخلاق نیز شامل دستورات تربیتی است که نقش مهمی در سبک زندگی و فرهنگ اسلامی ایفا می‌کند. از منظر فقه تمدنی، احکام و قواعد فقهی در ابعاد مختلف شهر اسلامی از جمله فرهنگی، اجتماعی، معماری و شهرسازی، محیط زیست و مدیریت شهری باید تبیین و محقق شود. چرا که اتکای صرف به احکام فردی نمی‌تواند اهداف متعالی حیات طیبه اسلامی و تعالی فردی و جمعی را ایجاد کند. بلکه هر برنامه و عملی در شهر اسلامی و محله‌ها و فضاهای شهری آن باید مبتنی بر احکام شرعی از جمله قواعد لاضرر، تسلیط، لاجرح، نفی سبیل، اهم و مهم باشد.

قواعد تسلیط، لاضرر و مصلحت یکی از مهمترین اصول فقهی است که رعایت آن‌ها باید در شهرسازی اسلامی ایرانی برای حفظ و تحکیم بنیان خانواده، ثبات مالکیت، احترام به شهروندان مورد توجه قرار گیرد. همچنین در طرح‌های توسعه شهری ضروری است که از تصمیم‌گیری و مداخلات درشت مقیاس پرهیز شود. از طرح‌های توسعه شهری که صرفاً با نگاه اقتصادی و مادی به اراضی و ابنیه و کالایی پنداشتن معیشت مردم وجود دارد، اجتناب شود (Ketabollahi & Molaei, 2021: 159-160).

به طور کلی می‌توان احکام و قواعد فقهی و اخلاق اسلامی در ارتباط با شهر و محله اسلامی را به شرح ذیل بیان کرد: (۱) قاعده فقهی لاضرر: طبق این قاعده همه افراد و نهادهای ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در شهر به هیچ عنوان حق ضرر رساندن به منافع شهر و شهروندان و همین طور ضرر دیدن از دیگران را ندارند. مطابق این قاعده هر گونه ساخت و ساز و آراستن و تزئین بنا و فضا نباید آسیب و زیانی به حق اموال و حق الناس و حقوق طبیعت برساند.

(۲) قاعده فقهی نفی سبیل: مطابق این قاعده فقهی، هر گونه الگو گرفتن از بیگانگان در ساخت و ساز و معماری و شهرسازی جایز نبوده و سبک‌های نماسازی، برج‌سازی، فضاسازی و بنا و فضا آرای به تقلید از بیگانگان دارای

اشکال شرعی است. بنابراین در طراحی، معماری و زیباسازی رعایت الگوی بومی در کنار سایر احکام، از مهمترین بایسته‌های معماری اسلامی است.

۳) قاعده فقهی الأهم فالأهم: طبق این قاعده، تشخیص عقلی، اولویت و تقدم احکام و اعمال بر حسب تراحم ملاکات احکام ضروری است. تقدم امور ضروری بر غیرضروری در زندگی مسلمانان، پرهیز از هزینه‌های غیرضرور در تزیینات بنا و فضا و اختصاص آن به ضروریات (مانند کمک به نیازمندان) در این امر از بایسته‌های شهر و معماری اسلامی است.

۴) قاعده فقهی ضمان: طبق این قاعده، انجام هر فعلی از جانب انسان که حق انجام آن را نداشته باشد، نوعی دین بر گردن وی ایجاد، و با قاعده فقهی ضمان مغایرت پیدا می‌کند. در فرآیند ساخت و سازها، تعیین حقوق حقیقی مهندسان ناظر، طراحی، کارگران و مجریان ضروری است و اختلاف فاحش درآمد سوداگران با گروه‌های مذکور می‌تواند مصداق ضمان باشد.

۵) قاعده فقهی دفع وجوب خطر محتمل: بر اساس این قاعده، هیچ بنا و فضایی اعم از زیبا و معمولی، نباید مخاطره آمیز باشد و لازم است در تمامی مراحل ساخت و ساز، به نحوی عمل شود که هر گونه خطر احتمالی دفع، تا در نتیجه رعایت این اصل، امنیت روانی ساکنان تأمین شود.

۶) قاعده فقهی سهولت: حکومت اسلامی به دنبال تأمین زندگی آسان برای شهروندان است، از این رو، در تهیه و تنظیم مقررات شهری طبق قاعده سهولت عمل، و از تحمیل دشواری‌های بی‌قاعده خودداری می‌کند.

۷) قاعده فقهی حریم: حفظ حریم و عدم تجاوز به حریم از هر نوعی، یک اصل اساسی در قواعد فقهی به شمار می‌رود. در قوانین مدنی و شهرسازی نیز رعایت حریم کاربری‌ها، معابر، همسایگی و ... ضروری است و عدم رعایت آن منجر به مشکلات زیادی در شهر و محلات می‌شود.

۸) قاعده فقهی حلیت: طبق قاعده رعایت حلال و حرام، در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای قوانین شهری مانند همه قوانین جاری در حکومت اسلامی ضروری است. علاوه بر این، هر فعلی که مطابق با سایر قواعد فقهی موجب خسارت به شهر و شهروندان نگردد، با پیروی از قاعده حلیت، امکان تحقق پیدا می‌کند (Molaei, 2022: 77).

۴-۴. اخلاق اسلامی

تحلیل مضمون بر مبنای نصوص دینی، فقه و شریعت اسلامی مشتمل بر قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم (ص)، نهج‌البلاغه امام علی (ع)، روایات مربوط به ائمه اطهار (ع) و همچنین آراء و نظرات اندیشمندان دوره اسلامی در زمینه وضعیت مطلوب محله اسلامی، بر اساس دو مؤلفه کالبدی/ فضایی و اجتماعی/ اقتصادی انجام گرفت. بررسی‌ها نشان داد که محله به‌عنوان کانون همزیستی توده‌های همگن جامعه، به لحاظ اجتماعی/ اقتصادی، باید برآورده کننده

فضیلت، کرامت و مشارکت برای ساکنان خود باشد. همچنین ساختار محله باید به گونه‌ای طراحی شود که امکان تحقق احکام، اخلاقیات و اعتقادات اسلامی را فراهم، و به تبع آن، تجربه زیسته روانی مطلوبی را برای ساکنان خود به ارمغان آورد. این محله همچنین به لحاظ کالبدی/ فضایی برآورده کننده نیازهای اولیه ساکنان در عصر حاضر باشد. نیازهایی از جمله بهره‌مندی از عناصر طبیعی (هوای سالم، آسمان، آفتاب، باد مطلوب و غیره)، عوامل جغرافیایی (کوه، تپه، دره، رود، مسیل، دریاچه و غیره)، عناصر انسان‌ساخت (مسکن مناسب، تراکم جمعیت محله، دسترسی به کاربری‌های بنیادین و غیره) (Ketabollahi et al, 2022: 94)

محله، مجموعه‌ای منسجم از کالبد و روابط غیرکالبدی است که جنبه غیرکالبدی آن شامل سه مؤلفه کرامت، فضیلت و مشارکت است و با عنوان انسجام اجتماعی فیما بین روابط همسایگی تبیین می‌شود. کالبد به طور مستقیم در نوع انسجام اجتماعی محلات می‌تواند اثرگذار باشد. در مؤلفه کرامت، گذشت نسبت به همسایگان و سازش مهمترین سنجه است. همچنین سنجه حمایت معنوی و حضور در رویدادهای درون محله، مراسم‌ها و برنامه‌های همسایگان در مؤلفه فضیلت، بیشترین اهمیت را دارد. در این میان، مؤلفه مشارکت، کمترین تأثیرگذاری را در سطح محله دارد. (Ketabollahi & Nejad Ebrahimi, 2022: 186-187). اخلاق اسلامی در شهر اسلامی و محلات آن دارای مصادیق متعددی است که بر سبک زندگی اسلامی اثر می‌گذارند. از جمله این مصادیق می‌توان به احترام، سازش و مدارا، صمیمیت، خوش خلقی، تواضع، تعاون، تفاهم، مساعدت، مراوده، صلح، مضافه، ایثار و عفو اشاره کرد.

جدول ۱- مصادیق موثر بر معاشرت و روابط اجتماعی در محله

مصادیق	زیرمجموعه معاشرت عام	
داشتن نشاط و شادی، مهربانی و احترام گذاشتن، نیکی و کمک کردن، رعایت حقوق دیگران، آسیب‌نرساندن به دیگران، رعایت عدالت در برابر دیگران، پرهیز از خشونت در برخورد با دیگران، حضور یافتن در رویدادها و مناسبات همسایگی، مانند تولد، ازدواج، سرپایی، جشن پذیرش دانشگاه و...، رعایت حقوق همسایگان، مانند پارک خودرو، کیسه زباله، آلودگی محیطی و صوتی و...، رازداری، امانت‌داری	احترام، سازش، مدارا، صمیمیت، خوش خلقی	فضیلت
منفعت‌طلبی جمعی، ممانعت از تهیه مطلوب ابنیه مجاور، عدم اشراف به همسایه از طریق بلندمرتبه‌ساختن بنا، حفظ آرامش ابنیه مسکونی، صعوبت انجام برخی تکالیف اجتماعی، انجام برخی مستحبات عبادی جمعی، رعایت فرهنگ حجاب و عفاف، پیگیری مشکلات ساختمان، محوطه یا محله، همکاری در کسب رزق و روزی و امرار معاش	تواضع، تعاون، تفاهم، مساعدت، مراوده	مشارکت
گذشت، مدارا کردن در روابط اجتماعی، دیدوبازدید کردن، تماس تلفنی و روابط در سطح شبکه‌های اجتماعی، همنشینی، احوال‌پرسی صمیمانه و دست‌دادن و روبوسی کردن و در آغوش گرفتن	صله رحم، مضافه، معانقه، ایثار، عفو	کرامت

Source: Ketabollahi et al, 2022: 101

کرامت انسانی در بعد فضایی و کالبدی با بزرگداشت مقام انسانی، نیازها و رعایت حریم و جایگاه متعالی وی متجلی می‌شود. بنابراین پرهیز از فریب انسان از طرق مختلف تبلیغاتی و جذابیت‌های فریبده و برانگیختن حسرت‌های مادی و دوری از مدگرایی ناسازگار با فطرت انسان و تنوع‌طلبی‌های مادی و روحی و... از جمله مصادیق کرامت انسانی است. در شهرهای معاصر با روش‌های مدگرایی و تبلیغ‌های فریبده و مدگرایی‌ها، افراد را به خرید و مصرف بیشتر سوق داده و در راستای اهداف مادی شرکت‌ها و برندهای معروف و ثروتمندوزی و... کرامت انسانی از اهداف متعالی به مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی تنزل داشته است. در متون اسلامی بر لزوم کرامت انسانی تأکید شده است. فضاهای شهری باید زمینه‌ساز کرامت انسانی باشند. شهرهای معاصر ایران، علاوه بر سلايق مختلف مدیران و تصمیم‌گیران، دارای مشکلات عدیده‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی، ترافیکی، خدماتی و فضایی کالبدی هستند. در کنار آن‌ها، مسائل مختلف شهروندان و دغدغه‌های آن‌ها و نارضایتی‌های گسترده و پیچیدگی زندگی معاصر به کثرت بر مشکلات شهرها می‌افزاید. به‌طوری‌که این عوامل می‌توانند معنویت در شهرها را تضعیف و کارکردگرایی‌های صرف در کنار ضعف اخلاق و معنویت را ایجاد کنند (Molaei, 2021: 208).

۴-۵. محله اسلامی ایرانی

مفهوم محله می‌تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، روانشناسی، ذهنی- ادراکی، معماری و سیاسی تعریف شود. هر یک از ابعاد، تعریف خاص خود را از محله ارائه می‌دهد. اصطلاحات واحد همسایگی^۱ و اجتماع محلی^۲ اغلب به جای هم استفاده می‌شوند. اجتماع محلی به شبکه روابط بین فردی یا رابطه بین فرد با گروه گفته می‌شود، در حالی که منظور از محله، محیطی جغرافیایی و کالبدی است. این دو مفهوم گاهی بر هم منطبق می‌شوند و هدف بسیاری از برنامه‌ریزان منطبق ساختن این دو مفهوم بر هم بوده است (Lang, 2004: 200). محله می‌تواند دنیای کوچکی باشد که در آن، معنا تحقق یابد و کودکان، اجتماعی شده و فرآیند هویت‌یابی را طی کنند.

نیازهای یک محله مسکونی را می‌توان بر اساس نیازهای گروه‌های مختلف سنی و جنسی ساکنان (به‌ویژه کودکان، زنان، سالمندان، نوجوانان و جوانان) و نیز مسائل موجود در آن محله، بررسی و تبیین کرد: الف) نیازهای کودکان: ایمنی و امنیت فضاهای محله، آسایش و آرامش، فضاهای مناسب بازی به‌ویژه در کوچه‌ها و پارک محله.

ب) نیازهای زنان: ایمنی و امنیت فضاهای محله، آسایش و آرامش، خرده‌فروشی‌های ضروری محله، مرکز محله کارآمد، پارک محله و فضاهای فرهنگی و ورزشی مناسب زنان.

۱- Neighborhood Unit

۲- Community

ج) نیازهای نوجوانان و جوانان: ایمنی و امنیت فضاهای محله، آسایش و آرامش، فضاهای فرهنگی و ورزشی مناسب نوجوانان و جوانان (البته برخی نیازهای ورزشی و فرهنگی و تفریحی نوجوانان و جوانان می‌تواند در مقیاس ناحیه و منطقه شهری تأمین شود).

د) نیازهای سالمندان: ایمنی و امنیت فضاهای محله، آسایش و آرامش، مسجد محله، خرده‌فروشی‌های ضروری محله، مرکز محله کارآمد، پارک محله و فضاهای فرهنگی و ورزشی مناسب سالمندان. مسائل محله می‌تواند شامل ترافیک‌های عبوری و مزاحم، منظر نامناسب فضاهای شهری محله، بهداشت محیط و جمع‌آوری مناسب پسماند و سیستم‌های فاضلاب و کیفیت کف‌سازی فضاهای عمومی محله باشد.

پیش از اسلام، بیشتر شهرها را به شکل کلات (قلعه و برج و بارو) می‌ساختند و در آن‌ها، موضوع نظام طبقاتی را رعایت می‌کردند. این طبقه‌های اجتماعی بیشتر شامل سه طبقه بود، ولی بعدها به چهار طبقه تبدیل شدند و شامل ارتش‌داران، مدیران و صنعت‌گران و توده مردم بود. این طبقات اجتماعی، هر یک محل زندگی خود را داشتند و نمی‌توانستند به محله دیگر بروند (Habibi, 1997). بعد از ظهور اسلام، این نظام طبقاتی برچیده شد و محله‌ها بر پایه مشترکات موجود از جمله براساس هم‌شهری بودن مانند محله شیرازی‌ها و محله بهبهانی‌ها، و یا براساس فعالیت‌های مشترک مانند محله سفره‌باف‌ها و محله حصیرباف‌ها و... شکل گرفت (Pourjafar & Pourjafar, 2012: 17). محله یا کوی، یک شهرک کوچک در دل شهر بود که برای خود بازارچه، مسجد، مدرسه و سایر لوازم مورد نیاز را داشت. شهر به طور معمول، از چند محله تشکیل می‌شد و هر محله، گاه برج و بارو و دروازه مخصوص داشت. هر یک از محله‌ها نام ویژه‌ای داشت که در برخی از شهرها به نام افراد سرشناسی که در آن محل سکونت داشتند، نامگذاری می‌شد (Pirmia, 1993: 2).

بازارچه محله شامل مشاغل نانوائی، قصابی، عطاری و میوه فروشی بود و مردم برای خریدهای دیگر به بازار بزرگ می‌رفتند. اگر شغل بیشتر مردم محله یکی بود، کارگاهی هم در آنجا داشتند. محله‌ها به وسیله کوچه‌هایی به بازار یا دل شهر وصل می‌شدند. کوچه‌های محله به صورت راه‌های باریکی خانه‌ها را به هم وصل، و همچون شبکه‌ای مویرگی، امکانات ارتباطی ساکنان محل را فراهم می‌کردند (Kiani, 1986: 13). مساجد، مدارس، تکیه‌ها، حسینیه‌ها، خانقاه‌ها و دارالشفاهای هر یک با توجه به دوره‌های مختلف اسلامی و بسته به باورها، اعتقادات و عقاید ساکنان، عناصر مهمی از بافت محله‌ها، و از لحاظ اجتماعی، حائز اهمیت بودند (Pourjafar, 2002: 11-21).

در روایات اسلامی بر جایگاه مهم خانه و خانواده تأکید شده و دارای حقوق متعددی است که از جمله آن‌ها می‌توان به حق همسایگی تا چهل خانه از هر طرف، حق ایمنی و امنیت و عدم ضرر رساندن به همسایه، حق حفظ آبروی همسایه، حق توجه به نیاز غذا و لباس همسایه و... قابل ذکر است. حقوق شهروندی خانواده در محله ایرانی اسلامی را می‌توان بر اساس مؤلفه‌های ذیل تبیین کرد:

الف) حقوق اجتماعی و فرهنگی خانواده در محله: هر خانواده در محله خود به طور متقابل نیازمند احترام به حقوق

دیگران است و دیگران نیز باید به حقوق آن‌ها احترام بگذارند. حقوق متقابل در موارد ذیل قابل بررسی است: حق کرامت انسانی، حق آسایش و آرامش فردی و خانوادگی در خانه و فضاهای شهری؛ رعایت ایمنی و امنیت فردی و جمعی؛ رعایت بهداشت فردی و جمعی و بهداشت و پاکیزگی محیط؛ حق برگزاری آیین‌ها و مراسمات جمعی فرهنگی و مذهبی با حفظ آسایش و آرامش همگان، حق داشتن زیرساخت‌های ارتباطی حقوقی و مجازی.

ب) حقوق عملکردی خانواده در محله: هر خانواده در محله حق برخورداری از اقدامات اجرایی شهری و محلی و کاربری‌های ضروری، اجتماعی و اختیاری را دارد. حقوق عملکردی در موارد ذیل قابل بررسی است: کاربری‌های ضروری قابل دسترسی و پاسخ‌ده مانند خرده فروشی، نانوايي، میوه و سبزی فروشی، مراکز درمانی و داروخانه، فضاهای سبز، باز و ورزشی؛ حق استفاده از فضاهای آموزشی و تفریحی سالم؛ حق حرکت و دسترسی در شهر از طریق حمل و نقل عمومی با کیفیت و حمل و نقل خصوصی و زیرساخت‌های با کیفیت مربوطه مانند پارکینگ عمومی، شبکه معابر کارآمد و تجهیزات مدیریت ترافیکي.

ج) حقوق زیست محیطی خانواده در محله: هر خانواده در شهر و محله خود، حق استفاده از محیط زیست سالم و پاکیزه را دارد. حقوق متقابل در این زمینه در موارد ذیل قابل بررسی است: حق داشتن هوای سالم و پاک؛ حق استفاده از آب و غذای سالم و بهداشتی؛ حق استفاده از طبیعت سالم و پایدار؛ حق برخورداری از زیرساخت‌های سالم و بهداشتی و کارآمد آب و پساب و انرژی‌های پاکیزه و طبیعی.

د) حقوق اقتصادی خانواده در محله: هر خانواده حق داشتن شغل و درآمد پایدار را دارد که حقوق متقابل آن در موارد ذیل قابل بررسی است: حق داشتن شغل پایدار و آبرومند؛ حق رشد و پیشرفت اقتصادی؛ حق مالکیت و حقوق مالکانه؛ حق برخورداری و سهم شدن در درآمدهای شهر و کشور.

جدول ۲- حقوق شهروندی در خانواده در محله

مؤلفه	حقوق شهروندی خانواده در محله	مصادیق و نمونه‌ها
اجتماعی و فرهنگی	حق تعامل و ارتباطات همسایگی و محله‌ای	بده و بستان‌های محله‌ای در مواقع ضروری، وجود سرزندگی اجتماعی و...
عملکردی	برخورداری از مرکز محله قوی و پاسخ‌ده دسترسی ایمن، امن و کارآمد و بدون مشقت	وجود مسجد فعال در محله، وجود کاربری‌های ضروری محله (خرده فروشی، نانوايي، مدرسه و...)، وجود شبکه معابر کارآمد با دسترسی‌های مناسب، وجود پارکینگ‌های مناسب و...
زیست محیطی	حق داشتن طبیعت در فضاهای عمومی و خصوصی محله	باغچه‌های خصوصی در حیاط خانه‌ها، بوستان یا پارک محله، وجود سرسبزی و سرزندگی طبیعی و...
اقتصادی	حق کرامت انسانی فردی و خانواده و حقوق مالکانه ساکنان محله	نفی بالاشهر و پایین‌شهر و تفکیک معیشتی محله‌ها در شهر و اختلاط سطوح مختلف درآمدی در محله و...

محلّه به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه، از انسجام و همگنی خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر، محلّه یک تشکّل اجتماعی است که عناصر اصلی تشکّل دهنده آن عبارتند از: خانه‌های مسکونی، مسجد، میدان و میدانچه، بازار و بازارچه، گذر و کوچه. واحدهای محلّه‌ای به دلیل اندازه خود می‌توانند موجبات مشارکت در شکل دادن به محیط خود را فراهم آورند و مرکز محلّه، حس مکان و مرکزیت را تقویت کنند (Latifi and Safari, 2012: 6). این فضاها می‌توانند شامل ورودی محلّه با تشخیص و هویت بارز، پارک یا بوستان محلّه با الگوی باغ ایرانی، کوچه‌های بازی مناسب برای فعالیت کودکان، گذر اصلی محلّه با امکان استفاده همگان و... باشد.

از منظر اندیشه اسلامی، لازمه تطبیق نظام کالبدی محلّه بر سبک زندگی اسلامی، اولاً توجه توأمان این نظام به همه مراتب نیازهای انسان و ثانیاً ایجاد تعادل در توجه به نیازها و برقراری عدالت در ارضای نیازهای مذکور است؛ به نحوی که با استناد به دو تعریف اصلی عدالت شامل «اعطاء کل ذی حق حقه» و «وضع الشیء فی موضعه» اولاً حق هر نیاز انسان با تعریف کاربری‌های متناسب با آن نیاز داده شود و ثانیاً هر کاربری در موضع و مکان متناسب با اقتضائات و ویژگی‌های آن در ساختار محلّه مکان‌یابی شود؛ تحقق این دو مهم، به معنای تحقق اصل عدالت در معماری محلّه است. به دلیل اصالت و برتری نیازهای معنوی انسان در مقایسه با نیازهای مادی او، کالبدهای متناظر با نیازهای معنوی انسان که مصداق بارز آن مسجد است بایستی در سلسله‌مراتب بالاتری در مقایسه با کالبدهای متناظر با نیازهای مادی او در محلّه مکان‌یابی شوند (Raisi & Mohammad Alinejad, 2022: 113).

به‌کارگیری فناوری‌های هوشمند با حفظ حریم خانواده نیز موضوع مهم دیگری است که نیازمند توجه است. استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال برای خدمات‌رسانی به خانواده‌ها، مانند سامانه‌های آموزشی مجازی یا برنامه‌ریزی حمل‌ونقل عمومی، باید با رعایت حریم خصوصی و ارزش‌های اخلاقی همراه باشد. پروژه «شهر هوشمند قم» نمونه‌ای موفق از ادغام فناوری با الزامات فرهنگی-دینی است که در آن دسترسی به خدمات شهری با تأکید بر امنیت داده‌های خانوادگی طراحی شده است (Shahid Beheshti Technology Company, 2022). استفاده از این ظرفیت می‌تواند در تأمین امنیت محلّه، پایش کیفیات محیطی، گزارش مسائل و مشکلات محلّه توسط شهروندان، مشارکت در ارائه نظرات شهروندان در مدیریت محلّه و نیز روشنایی هوشمند، جمع‌آوری پسماند هوشمند و اطلاع‌رسانی‌های لازم محلّه بکار گرفته شود.

۵. یافته‌های پژوهش

برخی از محلّه‌های تاریخی مانند محلّه جلفای اصفهان علاوه بر برخورداری از عناصر هویتی معماری، از کارایی و پاسخ‌دهی به نیازهای ساکنان و رونق حیات روزمره نیز برخوردار هستند. وجود کافه‌های قدیمی و فعال، گذرهای

سنگ فرش و فضای سبز مناسب و مرکز محله مطلوب از ویژگی‌های این محله است. از شهرک‌های معاصر نیز می‌توان به شهرک نارمک تهران اشاره کرد که دارای میدانچه‌ها محلی سرزنده و موققی است که با فضای سبز مناسب و حیات مدنی محله‌ای، هویت اجتماعی و طبیعی قابل توجهی را در طول زمان کسب کرده است.

تصویر ۱- محله جلفای اصفهان محله‌ای تاریخی و با هویت و مرکز محله هویت‌مند



Source: Author

تصویر ۲- محله نارمک تهران محله‌ای معاصر و با هویت و مرکز محله‌های هویت‌مند



Source: Author

محله ایرانی اسلامی را می‌توان بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ایرانی، به‌ویژه احکام و اخلاق اسلامی تبیین کرد. احکام اسلامی همان قواعد فقهی و شامل قواعدی مانند قاعده لاضرر (حرمت هر گونه ضرر به خود و دیگران و منافع عامه)، قاعده فقهی لاجرح (نهی مشقت و سختی در شهر و محله اسلامی در انجام تکالیف الهی) و قاعده نفی سبیل (حرمت تقلید از بیگانگان و الزام استفاده از الگوی بومی) تأکید دارد. اخلاق اسلامی نیز بر دستورات تربیتی همچون

خیرخواهی (خیر همسایه را خواستن)، انصاف (داشتن انصاف و مروت نسبت به همسایگان)، مردم‌واری (کنار آمدن با هم محله‌ای‌ها و همسایگان)، و ساده‌زیستی (نفی تجمل در زندگی محلی) تأکید دارد. این احکام و اخلاق در الگوی توده، فضا، الگوی خانه‌ها و فضاهای عمومی نیز نمود دارد. وجود مرکز محله خودکفا و پاسخ‌ده در محله با مرکزیت مسجد محله، خانه‌های یک یا دو طبقه حیاطدار با باغچه، سلسله مراتب در فضاهای ورودی و داخلی و رعایت حریم در خانه، گذر اصلی محله و کوچه‌ها و بن‌بست‌های ایمن و امن و باصفا با حضور هم‌محله‌ای‌ها در فعالیت‌های خرید، بازی، گفت‌وگو و صله رحم، از مهمترین نمودهای محله اسلامی و ایرانی محسوب می‌شود.

جدول ۳- ابعاد محله ایرانی اسلامی بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ایرانی

ابعاد محله ایرانی اسلامی بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ایرانی	احکام اسلامی	اخلاق اسلامی ایرانی	نمودهای فضایی و محله‌ای
	قاعده فقهی لاضرر و عدم سایه‌اندازی و اشراف به خانه همسایگان	خیرخواهی و خیر همسایه را خواستن	سلسله مراتب در فضاهای ورودی و داخلی و رعایت حریم در خانه
	قاعده فقهی لاضرر و نبود مشقت و سختی در دسترسی سواره و پیاده	انصاف و داشتن مروت نسبت به همسایگان	خانه‌های یک یا دو طبقه حیاطدار با باغچه
	قاعده فقهی نفی سیل و الگوی خانه ایرانی و مرکز محله با مرکزیت مسجد	مردم‌واری و کنار آمدن با هم‌محله‌ای‌ها و همسایگان	وجود مرکز محله خودکفا و پاسخ‌ده در محله با مرکزیت مسجد محله
	قاعده فقهی اهم و مهم و ارجحیت حقوق محله نسبت به منافع فردی	ساده‌زیستی و نفی تجمل در زندگی محلی	گذر اصلی محله و کوچه‌ها و بن‌بست‌های ایمن و امن و باصفا با حضور هم‌محله‌ای‌ها در فعالیت‌های خرید، بازی، گفت‌وگو و صله رحم

در فرهنگ اسلامی ایرانی که در بسیاری از شهرها مبتنی بر تشیع و فرهنگ شیعی است، سنت‌ها، آداب و رسوم بومی متنوعی قابل ملاحظه است که در مناسبت‌های سوگواری و جشن‌های مذهبی نمود پیدا می‌کنند. مساجد، حسینیه‌ها و تکایا از جمله فضاها و مراکز تجلی و نشر این فرهنگ در محلات به شمار می‌روند. محله تاریخی مقصودیه (نوبر) در بافت تاریخی تبریز از جمله محلات اصیل و با هویتی است که دارای مراکز فرهنگی متعددی شامل مسجد کدخداباشی، حسینیه مقصودیه، مسجد میدان، مسجد مدینه، حسینیه جان‌نثاران و مسجد حاج غفار است که هر کدام دارای مراسم‌های عزاداری، نذر و احسان متنوعی هستند. این محله همچنین دارای خانه‌های تاریخی متعدد و زیبایی

با معماری بومی است که در دهه‌های اخیر به مراکز علمی، فرهنگی و هنری تبدیل شده است و در حال فعالیت هستند. از جمله آن‌ها می‌توان به مجموعه دانشکده معماری، خانه موزه شهریار، مهد قرآن، خانه موزه نیکدل، عمارت شهرداری، موزه سنجش، خانه موزه حیدرزاده و پیاده‌راه مقصودیه اشاره کرد. در این محله، با وجود احداث دو خیابان جدید در دهه‌های اخیر (خیابان ارگ جدید و خیابان هفده شهریور جدید) و ساخت و سازهای نامتناسب با بافت تاریخی و تأثیرات منفی آن، فضاها و کالبد محله همچنان هویت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی خود را حفظ کرده است. این هویت متأثر از مراکز فرهنگی به‌ویژه چهار مسجد مذکور، دو حسینیه و مراسم‌های فرهنگی مربوطه و خانه‌های تاریخی موجود است.

تصویر ۳- عناصر فرهنگی در بافت محله مقصودیه تبریز؛ مسجد میدان (سمت راست)، مسجد کدخداباشی (وسط)

مسجد حاج غفار (سمت چپ)



Source: Author

همچنین در محله سرخاب در اطراف مقبره‌الشعراى تبریز نیز می‌توان این زمینه‌ها و عناصر فرهنگی را درک و ملاحظه کرد. مقبره‌الشعراى تبریز که مدفن شعراى بزرگ و صاحب نامی چون قطران تبریزی و شهریار است، به همراه موزه مجاور آن، امامزاده سید حمزه (ع) که محل مراجعه و تجلی مراسمات فرهنگی بسیاری است، خانه‌های

تاریخی زیبا و منحصر به فرد از جمله خانه امیرنظام گروسی، گذرهای فرهنگی و تاریخی مانند گذر حیدرتکیه سی با کارگاه‌های فرش و ملزومات آن، گذر ثقه الاسلام با کارگاه‌های چوب و نرده‌سازی، و گذرهای منتهی به بازار تاریخی تبریز هستند که هویت ویژه‌ای را به این بافت محلی داده‌اند. در کنار این ویژگی‌ها و ابعاد هویت‌مند، ساخت‌وسازهای نامتناسب با بافت تاریخی و فرهنگی و تراکم بالای ساختمانی و نقض حریم ساختمانی از ضعف‌های آن به حساب می‌آید.

شکل ۴- عناصر فرهنگی در محله سرخاب تبریز؛ مقبره الشعرا (سمت راست)، امامزاده سیدحمزه (وسط)

خانه امیرنظام گروسی (سمت چپ)



Source: Author

۶. تجزیه و تحلیل

از منظر احکام و اخلاق اسلامی، شهر اسلامی علاوه بر برخورداری از روح و معنا و اخلاق انسانی، محل تجلی احکام الهی و قواعد فقهی نیز است و نباید برای مسلمانان، حَرَج و مشقتی در ابعاد مختلف ایجاد شود. از منظر قاعده فقهی لاجرح، مشقتها و حرج‌های شهری بهتر است در فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت در نظر گرفته شود (Molaei, 2022: 174).

اصول الگوساز همانند محور اصلی محله به منظور تعریف سازمان فضایی و نظم زیربنایی معماری محله است. ایجاد سلسله مراتب، ترکیب نقاط مکث و حرکت و ارتباط آن‌ها و ایجاد فضاهای باز، بسته و نیمه‌باز، تقویت حرکات

تعاملی برای تقویت محور اصلی، ارتباط محور اصلی با ویژگی‌های طبیعی و انسان‌ساخت محله و عناصر نرم و سخت در کنار یکدیگر، اختصاص و تقویت گذر پیاده و طراحی مکان‌های اجتماعی، توجه به پایین بودن سرعت حرکت وسایل نقلیه در محور اصلی محله برای اطمینان خاطر اهالی محله با هدف ارتقای آرامش و آسایش اهالی و طراحی مقیاس مناسب و انسانی در راستای یک محله با هویت ایرانی و اسلامی و الگوسازی برای طراحی محلات از اهم مقوله‌های الگوسازی محله است (Zolfagharzadeh et al, 2019: 48).

تاثیر عوامل فرهنگی اجتماعی در هویت محله آن‌چنان وسیع است که هیچ یک از عناصر مختلف شهری را نمی‌توان بدون تأثیر دانست. شکل هر محله همان‌طور که متأثر از عوامل اقلیمی و طبیعی است، نتیجه علایق و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی مردم نیز است و ممکن است شکل ساختمان‌ها در رابطه با اقلیم به نحوی باشد که نوع خاصی از ساختمان‌ها را مطرح سازد، اما اگر چنین ساختمان‌های با روحیات مردم مغایر باشد، امکان استفاده از آن ساختمان‌ها را در حد مطلوبی قرار نمی‌دهد. این مطلب در الگوهای خرید و فروش محله نیز مصداق دارد. برای مثال زمانی که به فروشگاه‌های مثل شهروند مراجعه می‌شود، هدف خرید کالا است و معمولاً فرصت محدودی برای تعامل اجتماعی به‌وجود می‌آید؛ اما تفاوت بقال با سایر کسبه در این است که بقال واسطه ما با کالا است و همه اهل محل با او آشنایی دارند. بنابراین طراحی محله‌ها باید با مطالعه دقیق عوامل فرهنگی اجتماعی مردم همراه باشد. چه بسا ممکن است یک راه حل فیزیکی نتواند به حل مشکلات شهری منجر شود. علاوه بر مطالعات فرهنگی، لزوم مطالعات جمعیت و عوامل جمعیت‌شناسی شهر و محله نیز دارای اهمیت است و در این چارچوب، خصوصیات خانوارها و نوع اشتغال آن‌ها، نحوه تصرف واحدهای مسکونی، وضعیت تحصیلی، کمبودهای محلات، وضع سواد و تحصیل، جمعیت آینده، روابط مردم محله با یکدیگر و سایر محلات، چگونگی گذران اوقات فراغت اعضای خانوار باید مورد مطالعه قرار گیرد.

مهمترین ضرورت‌ها و عوامل در برنامه‌ریزی و طراحی شهری (طرح‌های جامع و تفصیلی و طرح‌های موضوعی و موضعی) و تأثیرگذار بر هویت فرهنگی و اجتماعی محله عبارتند از: ضرورت توجه به الگوی شکل بناها و بافت‌های شهری - که مزاحمت‌های عملکردی مانند اشرافیت و سایه‌اندازی را به حداقل می‌رساند؛ ایجاد نیازهای عمومی، نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی، نیازهای کودکان، زنان و سالمندان برای بازی، ورزش، سرگرمی و تعاملات اجتماعی؛ مطالعه خصوصیات فرهنگی اجتماعی مردم محله و اعمال آن‌ها در برنامه‌ریزی و بازطراحی محله؛ مطالعه در نوع خواست‌ها، سلیقه‌ها، روحیات و علایق مردم در ارتباط با فرهنگ، سنت و مذهب، سنت‌ها و نهادهای اجتماعی و ایجاد مراکز فرهنگی و اجتماعی محلی و ناحیه‌ای و منطقه‌ای (مانند سرای محله و پارک محله)؛ مطالعه در زمینه مسائل فرهنگی و تربیتی در رابطه با آسیب‌های اجتماعی (نزاع، سرقت، بزهکاری‌ها، اعتیاد و رعایت بهداشت محیط و مزاحمت‌های مختلف مانند صدای مزاحم)؛ و مشارکت ساکنان در حل مسائل.

در موضوع برنامه‌ریزی و طراحی محله با رویکرد خانواده‌مبنا، محله را می‌توان بخشی از تقسیم‌بندی کالبدی -

فرهنگی شهر دانست که دارای حوزه یا گستره جغرافیایی مشخص، جامعه محلی چشمگیر، وابستگی‌ها، علایق و احساس‌هایی همچون حس تعلق اجتماعی، روابط همسایگی و الگوی مشترک زندگی است و در مجموع، هویت مشترک فرهنگی مردم ساکن محله و بافت آن را می‌سازد (Pourjafar and Adabkhah, 2004: 168). بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل ۹۴ تعریف ارائه شده از سوی مجید عبدالمهی و همکاران (Abdolahi and et al, 2010: 82-102) بیانگر این است که به مفهوم اجتماع، به عنوان ویژگی مشترک و ثابت اشاره شده است. در برخی تعاریف از اجتماع درباره این مفهوم آمده است: اجتماع را می‌توان گروهی از افراد دانست که دارای وابستگی‌ها و بایستگی‌های مشترک هستند که در یک محدوده جغرافیایی مشترک سکونت دارند (Marshall, 1998, 97-98). همچنین هنر طراحی شهری و معماری مطلوب، باید حامل اندیشه و تفکری صحیح، همه‌شمول و توحیدمحور باشد. درک سنت‌های دیرینه و اصیل نه تنها در هنر بلکه در تمامی عرصه‌های زندگی می‌تواند راهگشای مناسب و مطلوبی باشد. هنر معماری و طراحی شهری در این است که بستری را برای زندگی سعادت‌مند و ارتقای معنوی انسان فراهم سازد (Pourjafar, 2002: 48-33). محله عبارت از مکانی که ویژگی‌های مشترک بین افراد باعث گرد هم آمدن و گذران زندگی آن‌ها در کنار هم می‌شود. این افراد دارای علایق، وابستگی‌ها و روابط بین‌همدیگر هستند که باعث ساخته شدن هویت آن‌ها می‌شود. معماری محله باید از یک تفکر خدایسندانه همراه با توجه به سبک و سنت‌های گذشته نشأت بگیرد و زمینه‌ساز حرکت افراد به سوی سعادت و خوشبختی شود.

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که در دوره‌های قبل از ورود مدرنیسم و تا حدودی در دوره معاصر بیشتر مردمان شهرها و آبادی‌های مسلمانان دارای روابط اجتماعی سنتی و اعتقادهای مذهبی هستند. در بافت بیشتر شهرهای اسلامی، سلسله مراتبی از مسجدها را با توجه به حدود تقریبی شعاع عملکرد می‌توان دید. هسته اصلی محله‌های مسلمانان را نیایشگاه‌ها و در درجه نخست، مسجد تشکیل می‌دهد. بنابراین همان‌طور که در غرب و در «واحدهای همسایگی کالرنس پری» مدرسه، مرکز و عامل تعیین‌کننده ابعاد یک بخش مسکونی به شمار می‌آید، در یک شهر اسلامی باید به مسجد به عنوان عامل تعیین‌کننده و مرکزی فرهنگی و مذهبی در بخش مسکونی توجه کرد و سپس دیگر خدمات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و تجاری می‌توانند در کنار هسته اصلی محله‌ها برای رفاه ساکنان محله برنامه‌ریزی و طراحی شوند. به طور کلی، بافت فیزیکی و کالبدی محله‌های سنتی نسبت به واحدهای همسایگی جدید نقش پررنگ‌تری در روابط متقابل اجتماعی داشته‌اند (Pourjafar and Adabkhah, 2004: 559). هسته اصلی محله‌های اسلامی بر پایه مسجد شکل می‌گیرد و سپس دیگر خدمات رفاهی در کنار آن طراحی می‌شود. در محله‌های ایرانی - اسلامی، مسجد جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری روابط اجتماعی بین ساکنان محله ایفا می‌کند. در شهرسازی اسلامی، مرکزیت محله و شهر با مساجد محله و شهر تعیین، و پیرامون آن نیز برخی کاربری‌های مکمل فرهنگی، آموزشی و خدماتی محله و شهر نیز ارائه می‌شود. این مرکزیت، ضمن تأمین نیاز به فضای عبادی و

فرهنگی، هویت محله و شهر اسلامی را ایجاد می‌کند که اهم بر سایر گونه‌های فضاهای فرهنگی و اجتماعی است. امروز در بسیاری از شهرها و شهرک‌های معاصر، بافت‌های مسکونی یا بدون مرکز و مسجد هستند و یا فضاهای تجاری مرکزیت آن را تشکیل می‌دهد. بی‌توجهی به مسجد محله و شهر، موجب رواج سبک زندگی غیربومی و تضعیف هویت اسلامی می‌شود (Molaei, 2022: 181).

بافت‌های سنتی موجود در شهرها دارای تعاملات اجتماعی قوی‌تری نسبت به محله‌های تازه توسعه یافته هستند. امروز تداخل‌های انجام شده در این بافت‌ها باعث کم رنگ شدن این نوع تعاملات شده است. بنابراین لازم است تا تداخل در این بافت‌های تاریخی شهرها در صورت ضرورت، تدریجی و با در نظر گرفتن هویت تاریخی محله و همچنین فرهنگ حاکم بین افراد ساکن آن انجام شود. برنامه‌ریزی محله‌مبنا بر اساس هویت و فرهنگی اسلامی ایرانی می‌تواند بر پایه آموزه‌های اسلامی و ایرانی به شرح ذیل تبیین شود:

الف) مؤلفه فضایی و کالبدی: در برنامه‌ریزی محله‌مبنا، در مؤلفه‌های فضایی و کالبدی، ارائه الگوی توده و فضای بومی ضروری است. در این راستا، براساس احکام و اخلاق اسلامی، خانه‌های ایرانی یک و دو طبقه حیاطدار و با باغچه شخصی و وجود حقوق مالکانه واقعی برای امکان دخل و تصرف مانند امکان کاشت و سبزی‌کاری در باغچه، رعایت حریم خصوصی و حذف اشرافیت بر مکان الزامی است. همچنین شبکه فضاهای عمومی ایمن و امن و وجود فضاهای باز و حیاط‌های محله، ضروری خواهد بود.

مقیاس عملکردی محله، متناسب با توان جسمی و ذهنی ساکنان و اقشار مختلف سنی و جنسی به‌ویژه زنان، کودکان و سالمندان است که از هر خانه تا مرکز محله در حدود ۳ تا ۵ دقیقه پیاده‌روی یا کمتر از ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر باشد. الگوی فضایی و کالبدی محله دارای مرکز محله و میدانچه محلی، سلسله مراتبی از خیابان فرعی محلی، کوچه‌ها و بن‌بست‌ها است که ضمن دسترسی آسان ساکنان، از تردهای عبوری و غیرمقصودی جلوگیری می‌کند. در این راستا، بارگذاری بیش از حد و تراکم ساختمانی زیاد موجب اختلال در این الگوی محله می‌شود (Molaei et al, 2022: 12).

ب) مؤلفه عملکردی: در برنامه‌ریزی محله‌مبنا، در مؤلفه‌های عملکردی، وجود مرکز محله قوی و کارآمد ضروری است. در این راستا، بر اساس احکام و اخلاق اسلامی، مسجد محله فعال در مرکز محله، وجود پارک محله در یک یا چند نقطه، تنظیم تراکم مناسب و حداقلی - یعنی بدون بارگذاری حداکثری که سایه‌اندازی و اشرافیت و مسائل عملکردی عدیده به دنبال می‌آورد - الزامی است. همچنین شبکه معابر پاسخ‌ده و ایمن و امن، با امکان امداد و نجات و تخلیه اضطراری در مواقع اضطراری و بحرانی، ضروری خواهد بود.

ساختار عملکردی محله با مرکزیت مسجد محله و کاربری‌های مکمل سکونت یعنی مسجد، مدرسه ابتدایی، نانوایی، خرده فروشی، پارک محله و... است. مرکز محله بهتر است که در مرکزیت هندسی بافت محله باشد که از هر

طرف دسترسی و فاصله عادلانه نسبت به آن وجود داشته باشد. نبود این کاربری‌های مکمل موجب عدم تأمین نیازهای خانواده‌ها و عدم کارایی محله می‌شود. شهرک‌های مسکونی معاصر از لحاظ مقیاس، مرکزیت، دسترسی و الگوی فضایی و کالبدی و عملکردی، نسبتی با الگوی محله ندارند، چرا که بافت‌های صرفاً مسکونی، با مقیاس سواره و غیرقابل پیاده‌روی، نبود مرکز محله و تردهای عبوری موجب عدم تأمین حقوق شهروندی خانواده‌ها می‌شود (Molaei et al, 2022: 12).

ج) مؤلفه زیست‌محیطی؛ در برنامه‌ریزی محله‌مبنا، در مؤلفه‌های زیست محیطی، ارائه الگوی فضاهای سبز و طبیعی بومی ضروری است. در این راستا، بر اساس احکام و اخلاق اسلامی، خانه‌های باغچه‌دار، وجود بوستان‌های محلی با پوشش گیاهی بومی و امکان ارتباط با طبیعت بکر برای همگان به‌ویژه بازی کودکان، الزامی است. همچنین شبکه فضاهای سبز خطی، نقطه‌ای و پهنه‌ای سرزنده برای ساکنان محله ضروری خواهد بود.

در صورت و سیرت شهر، رعایت فقه معماری در طراحی، نظارت و اجرای ساختمان‌ها، رعایت فقه شهرسازی در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری، رعایت فقه منظر شهری در طراحی و مدیریت نماها و مناظر شهری ضروری است. همچنین نهادینه کردن قناعت در خرید و مصرف، اجتناب از مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمی، پرهیز از احتکار کالا، زمین و املاک بیش از حد نیاز، اجتناب از فرهنگ اشرافی و تجملاتی در خرید و مصرف شهری، رعایت اعتدال و مقیاس انسانی در الگوی طراحی بناها و فضاهای شهری، پرهیز از بناهای بلندمرتبه و سایه‌اندازی و اشرافیت بر خانه‌ها، اجتناب از مداخلات بزرگ مقیاس در بافت‌های تاریخی و طبیعی بالارزش، اجتناب از ساخت و سازهای بزرگ مقیاس، حفاظت و احترام به طبیعت و تدبیر در خلقت زیست‌محیطی به عنوان نشانه الهی، پرهیز از اسراف در منابع طبیعی، و اجتناب از مداخله در نظم طبیعی شهر و حریم طبیعی از الزامات اخلاق اسلامی است.

د) مؤلفه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛ در برنامه‌ریزی محله‌مبنا، در مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی، نهادینه شدن فرهنگ محله و همسایگی ضروری است. در این راستا، بر اساس احکام و اخلاق اسلامی، رعایت حقوق شهروندی دیگران به‌ویژه احترام به حقوق همسایگی در عمل، پرهیز از مزاحمت برای همسایگان در رفت و آمد و پارک خودروهای مزاحم، عدم نگهداری از حیوانات در منزل و عدم سلب آسایش و آرامش دیگران الزامی است. برای این امر، برنامه‌های آموزشی حقوق شهروندی برای تعمیق و نهادینه شدن الزامات اجتماعی و فرهنگی ضروری خواهد بود.

جدول ۴- تحلیل مؤلفه‌های هویت اسلامی ایرانی و ارتباط آن با حقوق شهروندی خانواده در محله‌های شهری

مؤلفه	ارتباط با هویت اسلامی ایرانی و حقوق شهروندی خانواده- مبنا	مصادیق
مؤلفه فضایی و کالبدی	- طراحی فضاهای عمومی متناسب با حریم خانواده (مانند حیاطهای مرکزی و فضاهای نیمه‌خصوصی)؛ - حفظ معماری اسلامی ایرانی (گنبدها، ایوانها، استفاده از نقوش اسلیمی) به‌عنوان نماد هویت جمعی؛ - دسترسی به مساجد و حسینیه‌ها به‌عنوان کانون‌های تقویت روحیه دینی و اجتماعی.	- محله‌های تاریخی با بافت سنتی (مثل یزد و اصفهان)؛ - پیاده‌مداری معابر برای تسهیل تعاملات خانوادگی؛ - فضای سبز محله‌های مسکونی.
مؤلفه عملکردی	- توزیع خدمات شهری مبتنی بر نیاز خانواده‌ها (مهدکودک‌ها، مدارس، مراکز بهداشت و...) - اختلاط کاربریها برای کاهش سفرهای درون شهری و تقویت اقتصاد محلی؛ - طراحی فضاهای چندمنظوره برای مراسم مذهبی و فرهنگی (عزاداری، جشن‌های ملی و...).	- بازارهای سنتی به‌عنوان هسته اقتصادی-اجتماعی؛ - پارک‌های خانوادگی با امکانات تفریحی و آموزشی - مساجد چندکارکردی.
مؤلفه زیست-محیطی	- رعایت اصول اسلامی در حفظ محیط‌زیست (حرمت اسراف، پاکیزگی و...) - توسعه فضای سبز با الهام از باغ‌های ایرانی (چهارباغ) به‌عنوان نماد بهشت؛ - کاهش آلودگی صوتی و هوا برای ارتقای سلامت خانواده‌ها.	- سیستم‌های بازیافت محلی؛ - استفاده از مصالح سازگار با اقلیم (خشت، آجر و...) - ایجاد کمربندهای سبز در محلات.
مؤلفه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی	- تقویت همبستگی اجتماعی از طریق نهادهای محلی (هیئت‌ها، تعاونی‌ها و...) - ترویج اقتصاد مقاومتی با حمایت از مشاغل خانگی و صنایع دستی؛ - آموزش مفاهیم قرآنی و اخلاقی در فضاهای عمومی به‌منظور استحکام بنیان خانواده.	- مراکز فرهنگی-مذهبی محله؛ - بازارچه‌های محلی برای زنان سرپرست خانوار؛ - برنامه‌های جمعی مانند جشن‌های نوروز، محرم و...

از منظر اندیشه اسلامی، با وجود اینکه تعاریف طراحی شهری، متنوع و متکثر است اما تأکید بر کیفیات محیطی و فضاهای شهری در ابعاد فضایی، شکلی، اجتماعی و فرهنگی، کارکردی، منظر شهری، ادراکی، محیط زیست و مدیریتی در اغلب آن‌ها قابل ملاحظه است. در اندیشه اسلامی، احکام و اخلاق اسلامی، مهمترین وجه هر پیشرفتی

از جمله طراحی شهری است که با عنوان طراحی شهری با رویکرد تعالی توحیدی تبیین شد. این نوع نگرش به طراحی شهری دارای شاخص‌هایی از جنس قواعد فقهی، اصول اخلاقی و حقوق شهروندی برآمده از آموزه‌های اسلامی است که در تمامی فرآیند طراحی شهری از برنامه‌ریزی تا اجرا باید ملاک عمل قرار گیرد.

التزام به احکام اسلامی و قواعد فقهی به عنوان یکی از ارکان شهرسازی اسلامی در شهر و محله است که در برنامه‌ها و اقدامات طراحی و توسعه، رعایت آن‌ها واجب شرعی است و باید با همکاری فقها و متخصصان انجام شود. از جمله قواعد فقهی مرتبط با طرح‌های توسعه شهری، قواعد فقهی لاضرر، تسلیط، نفی سبیل، ضمان و تراحم مصلحت است. به طوری که هیچ حقی از عوامل ذی‌مدخل در یک برنامه و طرح اعم از حقوق خداوند، حقوق نفس، حقوق سایر انسان‌ها و حقوق طبیعت تضییع نشود. پابندی به این قواعد و اصول، هم در الگوی طراحی و هم در طراحی و اجرا و بهره‌برداری می‌تواند به تحقق فضاها و بناهایی در تراز اسلامی بیانجامد (Molaei, 2022: 87).

۷. نتیجه‌گیری

هویت امری ماهوی و مربوط به چیستی و کیستی کارکرد و ویژگی‌های متمایز کننده یک پدیده از سایر پدیده‌های هم‌سنخ و ناهم‌سنخ است. هویت انسان به ذهنیت و انطباق آن با عینیت بر می‌گردد. این همان محله و در واقع تبلور کالبدی اجتماع است که باید دارای خصوصیات شاخصی از جمله محدوده خاص، همبستگی مشترک و تعامل اجتماعی بین ساکنان محله باشد. در این راستا، عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای در تعریف هویت محله‌ای دارند و غفلت و بی‌توجهی به آن‌ها ضعف هویتی را در پی خواهد داشت.

در فقه شهرسازی اسلامی، تشخیص اهم ضروری است. به طور کلی می‌توان مصادیقی از اهم در شهر و شهرسازی را به شرح ذیل نام برد: اولویت ایجاد و تقویت زیرساخت‌های شهری؛ اولویت رسیدگی به فقرا و نیازمندان؛ اولویت ساماندهی بی‌خانمان‌ها، متکدیان، کودکان کار و خیابانی؛ اولویت تسهیل عملکردهای شهری؛ اولویت اقدامات ضد حریق بناها و فضاهای شهری؛ اولویت اقدامات برای ایمن‌سازی شهر و فضاهای شهری از خطر سیلاب؛ اولویت اقدامات مقاوم‌سازی بناها و فضاهای شهری در برابر زلزله؛ اولویت پدافند غیرعامل (ایمن‌سازی افراد، بناها و فضاها در برابر سوانح طبیعی و مصنوع)؛ اولویت اقدامات مدیریت بحران (فضاهای چندمنظوره برای تخلیه اضطراری و ملزومات امداد و نجات)؛ اولویت زیرساخت‌های تأمین و حفاظت و نگهداری آب و ملزومات آن؛ اولویت تأمین ساختارهای شهری و محله‌ای مطلوب برای زندگی راحت و آسایش شهروندان؛ و اولویت ایجاد درآمدهای پایدار برای شهرداری.

کرامت انسانی و احترام به حقوق شهروندی همگان یکی از وظایف قانونی و اخلاقی انسان‌ها محسوب می‌شود. حقوق شهروندی ابعاد فردی و جمعی، اقتصادی، فرهنگی، سلامتی، زیست محیطی و فضای و کالبدی دارد. در

برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری رعایت حقوق شهروندی برای تمامی اقشار ذی‌نفع، ذی‌نفوذ و ذی‌مدخل، عابران، مسافران، کسبه، معلولان، زنان، سالمندان، نوجوانان، جوانان، کودکان، خانواده‌ها و افراد آسیب دیده اجتماعی الزامی است. هر یک از این اقشار، نیازها و حقوق عام و خاصی دارند که توجه به آن‌ها در برنامه‌ها و اقدامات فردی و جمعی ضرورت دارد. احترام به عزت نفس و شخصیت همگان، رعایت حقوق همسایگان، پرهیز از مزاحمت و سلب آسایش و آرامش دیگران، مناسب‌سازی محیط برای افراد کم‌توان و گروه‌های ویژه، پیش‌بینی فضاهای لازم برای استفاده گروه‌های خاص مانند کودکان و خانواده‌ها، پرداختن به نیازها و حقوق افراد نیازمند مانند بی‌خانمان‌ها و فقرا از جمله حقوق شهروندی قابل توجه در طرح‌های شهری از جمله پیاده‌راه‌سازی است. از این رو، راهکارهای ذیل به منظور تقویت هویت فرهنگی اجتماعی محله پیشنهاد می‌شود:

- بازنگری در مبانی و مقررات برنامه‌ریزی و طراحی شهری، تدوین طرح‌های شهری با رویکرد آسایش و آرامش‌بخشی و تحقق قاعده نفی عسر و حرج؛
- بازنگری در مقررات ملی ساختمان و قوانین شهرداری‌ها با هدف ارتقای آسایش و آرامش در بناها و فضاها و تحقق قاعده نفی عسر و حرج در کالبد شهری؛
- بازشناسی آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه حاشیه‌نشینی، فقر، بیکاری و فضاهای ناامن با هدف حل ریشه‌ای این مسائل و جلوگیری از بازتولید مسائل دیگر شهری؛
- ایجاد مراکز چندمنظوره فرهنگی، تفریحی و ورزشی در محله برای تأمین بخشی از نیازهای خانواده‌ها در محله؛
- توجه به نیازهای تمامی گروه‌های سنی و جنسی (به‌ویژه کودکان، زنان، سالمندان، نوجوانان و جوانان) و تأمین فضاهای چندمنظوره فرهنگی و تفریحی در مراکز محله و نواحی مانند پردیس‌های فرهنگی تفریحی نواحی و محلات شهر؛
- توجه به الگوی ایرانی اسلامی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری محلات، مراکز محلات و سرای محلات؛
- توجه به الگوی ایرانی اسلامی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری فضاهای تفریحی و فرهنگی مانند باغ ایرانی؛
- مطالعه وضعیت محله با استفاده از روش‌های تحقیقی، پژوهشی، آماری و شناسایی نیازها، مشکلات، موانع و کمبودها به منظور برنامه‌ریزی با رویکرد فرهنگی؛
- توجه به خصوصیات فرهنگی و بومی محله در برنامه‌ریزی و همسویی رویکردها با فرهنگ، ویژگی‌ها و نظرات مردم محله‌ای که برای آنجا برنامه‌ریزی می‌شود؛
- توجه به اینکه آیا نوع تراکم‌های پیشنهادی در سطح محله، تضادهای اجتماعی را سبب نخواهد شد و منطقه‌های مجزا یا جدا جدا شده به‌وجود نخواهد آورد.
- تقویت همبستگی اجتماعی از طریق پرورش و تقویت نشانه‌ها و نمادهای اخلاقی و ارزشی در تمامی زمینه‌های

علمی، هنری، ورزشی و ...؛

- اجرای مراسم، آیین‌ها و برنامه‌های سرگرمی و تفریحی برای تمامی اقشار سنی و جنسی؛
- تأسیس، تقویت و حمایت از انجمن‌های محله‌ای همچون انجمن ورزشکاران محله، انجمن هنرمندان محله، سینمای محله، انجمن فرهنگی محله و ...؛
- ایجاد و به‌هنگام‌سازی نقش و کارکرد عناصر و فضاهای فرهنگی و اجتماعی؛
- وجود و حضور الگوهای محلی موفق و محبوب محله‌ای که می‌تواند نقش موثر و پایداری در تقویت انگیزه‌های تلاش و رشد متعالی نوجوانان و جوانان محله داشته باشد؛
- حذف عوامل محل و تقویت عوامل نظام قوام دهنده اجتماع محله‌ای؛
- در نظر گرفتن درجه‌ای از همگونی اجتماعی در آداب و رسوم، سلاقی، زبان و ... در ترکیب جمعیتی محله؛
- توجه به سازگاری و ظرفیت کاربری‌های فرامحله‌ای که تعلق و سنخیتی به محله ندارند و باعث تضعیف هویت محله می‌شوند در برنامه‌ریزی‌های جامع و تفصیلی شهری و نیز طرح‌های موضوعی و موضعی محله‌ها و بافت‌های شهری؛
- استفاده از روش‌های مشارکتی برای ایجاد حس همکاری در بین گروه‌های سنی و جنسی خانواده‌های محلات از جمله اعطای مسئولیت‌های نگهداری، نظارت، آموزش و پرورش در فعالیتهای و رویدادهای مختلف محلات.

تشکر و قدردانی

موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

تأییدیه‌های اخلاقی

تعارض منافع موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان

موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

منابع مالی و حمایت‌ها

موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

References

- Abdollahi, M., Sarrafi, M., & Tavakolinia, J. (2010). A theoretical analysis of the neighborhood concept and its redefinition in Iranian urban contexts. *Human Geography Research*, 72. [In Persian]

- Bahri Moghadam, A & Yousefifar, Sh. (2013). Socio-cultural factors in the formation of neighborhoods in Iranian-Islamic cities and their functions, *Islamic History and Civilization*, 9(17): 101-116. [In Persian]
- Ghasemi Esfahani, M. (2004). *Where do we come from? Giving identity to residential areas*, Tehran: Rozena Publications, fourth edition. [In Persian]
- Habibi, S. M. (1997). *From Shar to City*, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Hajipour, K. (2006). Neighborhood-based planning: An effective approach to sustainable urban management. *Journal of Fine Arts*, 26, 37-46. [In Persian]
- Ismailpour, F. (2006). New cities and collective memories. In *Collection of articles on the identity of new cities, Book 2* (pp. [Page range]). Tahran: New Cities Development Company Publications. [In Persian]
- Ketabollahi K, Mirgholami M, & Shahbazi Y. (2022). Rethinking the Concept of Biological Health of the Contemporary Iranian-Islamic Neighborhood in the Post-Corona Era. *CIAUJ*. 7(2), 77-98. doi:[10.52547/ciau.7.2.77](https://doi.org/10.52547/ciau.7.2.77) [In Persian]
- Ketabollahi, K. & Molaei, A. (2021). Explaining Islamic Rules and Ethics in the Process of Acquiring Lands in an Islamic City. *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning*, 6(18), 131-164. doi: 10.22054/urdp.2022.60412.1319 [In Persian]
- Ketabollahi, K. & Nejad Ebrahimi, A. (2022). The Role of Culture of Islamic Sects in the Social Cohesion of Historical Neighborhoods- Case Study: Sartpuleh Neighborhood of Sanandaj. *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning*, 7(21), 161-191. doi: 10.22054/urdp.2022.65268.1401 [In Persian]
- Ketabollahi, K., Balali Oskoyi, A. & Mirgholami, M. (2022). Explaining the concept of good fellowship in contemporary Iranian neighborhoods based on the Islamic lifestyle (Case study: 3 neighborhoods in Sanandaj). *Journal of Applied Arts*, 2(2), 87-103. doi: 10.22075/aaj.2022.25288.1121 [In Persian]
- Ketabollahi, K., Mirgholami, M. & Doostvandi, M. (2023). Investigating the Intervention Plans of Urban Development From the Perspective of Islamic Jurisprudence. *Political Organizing of Space*, 5(2), 205-224. [In Persian]
- Kiani, M. Y. (1986). *Islamic cities: A brief overview of urbanization and culture*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Lang, J. (2004). *Creating architectural theory: The role of behavioral sciences in environmental design*. Translated by A. Einifar. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Lynch, K. (1997). *A theory of good city form*. Translated by S. H. Bahreini. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Latifi, Gh.R. & Safari Chabak, N. (2012). Recreating the concept of neighborhood in Iranian Islamic cities based on the principles of new urbanism, *Journal of Urban Studies*,

No. 7: 3-12.[In Persian]

- Manan Raisi, M. (2020). *Architecture and Urban Planning in Accordance with the Islamic Lifestyle*, Qom: Qom University Publications, First Edition.
- Moein, M. (2004). *Concise Persian dictionary*. (6th ed.). Tehran: Sarayesh Publications. [In Persian]
- Molaei, A. (2021). The Role of Spirituality in the Identity of the Iranian-Islamic City approaching Islamic Ethics. *Political Organizing of Space*, 3(3), 193-204. [In Persian]
- Molaei, A. (2022). Explaining the position of the jurisprudential rule of la-haraj (the fall of unbearable hard task according to habit) in Islamic urban planning. *Fiqh and Usul*, 54(2), 157-189. doi: 10.22067/jfiqh.2021.68337.1036 [In Persian]
- Molaei, A., Alipour, N. & Hashemi, M. (2022). Definition of Citizenship Rights in Sustainable Neighborhood Planning (Case Study: Maqsoodiye and Manzarieh Neighborhoods of Tabriz city). *Sustainable Development of Geographical Environment*, 4(7), 1-14. doi: 10.52547/sdge.4.7.1 [In Persian]
- Molaei, A., Mohammadzade, M. and Medghalchi, L. (2024). Identifying the Dimensions and Indicators of family-Based Urbanization in Islamic-Iranian neighborhoods. *Urban Economics and Planning*, 4(4), 90-115. doi: 10.22034/uep.2024.430285.1445
- Najafi, G. R., & Saadat, M. (2021). The impact of public spaces on family ties in Tehran neighborhoods. *Urban Sociological Research*, 12(4), 112–130. [In Persian]
- Nassirpour, M. A., Naghizadeh, M. & Zarabadi, Z. S. S. (2023). Defining The Concept Of “Islamic Neighborhood” Based On The “Identity” Principle. *Islamic Art Studies*, 20(51), 729-754. doi: 10.22034/ias.2023.375336.2111
- Pakzad, J. (2007). *Essays on architectural and urban design concepts, Book 2*. Tehran: Shahidi Publications. [In Persian]
- Pirnia, K. (1993). *Iranian Islamic architecture*. Tehran: Iran University of Science and Technology. [In Persian]
- Pourjafar, M. R. (2002). Architectural and urban design criteria in historic mosques (Case study: Delhi Jama Masjid). *Modares Honar Journal*, 1(1). [In Persian]
- Pourjafar, M. R., & Adabkhah, M. (2004). The role of physical context in traditional neighborhoods and new residential units in social interactions. *Conference on Neighborhood Development and Sustainable Urban Development*. [Persian]
- Pourjafar, M.R., & Pourjafar, A. (2012). A proposed neighborhood model, centered on a mosque and the public spaces needed in an Iranian-Islamic city. *Iranian-Islamic City Studies*, 3(10), 15-24.
- Presidency of the Islamic Republic of Iran (2016). *Charter of Citizens' Rights*, available on the National System of Laws and Regulations of the Islamic Republic of Iran. Marshall, G. (1998). *Oxford dictionary of sociology*. Oxford (UK): Oxford University Press. [In Persian]

- Shahid Beheshti Technology Company. (2022). *Performance report of Qom Smart City project*. Ministry of Communications and Information Technology. [In Persian]
- Raisi, M. M. & Mohammad Alinejad, F. (2022). Explaining the scale and general model of a neighborhood consisting of neighborhood units from an Islamic perspective, *Islamic Architecture Research*, 9(33). 109-122. [In Persian]
- Shokouei, H. (1996). *New perspectives in the philosophy of geography* [Didgah-ha-ye now dar falsafe-ye joghrafia]. Tehran: Gita Shenasi Publications. [In Persian]
- Zolfaqarzadeh, H. Jafariha, R. & Delzadeh, A. (2019). The proposed model of Islamic-Iranian neighborhood architecture based on the model of life-building theories of Islamic wisdom. *Architectural Thought Bi-Quarterly*, 3(5): 33-59.[In Persian]